

## انتخابات و صورت مسئله



کوروش احمدی

دیپلمات‌پیشین

شک نیست که پیروزی آقای جلیلی در روز جمعه اعلام خطر دیگری به جامعه داخلی و بین‌المللی خواهد بود. پیش‌فرض این پیروزی با پشتوانه حدود ۲۰ درصد مردم، تشدید تحریم‌ها و تشدید سوءمدیریت مزمن به‌عنوان دلایل اصلی مشکلات اقتصادی و معیشتی خواهد بود. نخست، واکنش هیجانی را در بازار ارز و طلا خواهیم دید. فرار سرمایه و فرار نخبگان تشدید خواهد شد و در نتیجه روند نرخ تشکیل سرمایه ثابت سالانه که از سال ۹۱ به بعد منفی بوده و دلیل اصلی نرخ تولید ناخالص داخلی بسیار اندک بوده، ادامه خواهد یافت. تشدید رکود تورمی حاصل چنین دورنمایی خواهد بود. تیم آقای جلیلی که تاکنون برنامه‌ای برای جلوگیری از چنین دورنمایی ارائه نداده، به لحاظ رویکرد و توان کارشناسی و استفاده از کارشناسان در حدی نیست که بتواند بحرانی فرآینده را کنترل کند.

البته طیف آقای جلیلی حق دارد نظرات سیاسی خاص خود را داشته باشد، اما سؤال این است که آیا طیف مقابل در این انتخابات راهبرد و عملکرد درستی برای نجات کشور از چنین خطری داشته است یا خیر. برای اینکه قوه مجریه اسپرک ایدئولوژی و افکار خطرناک نشده و در کاملاً بسته نشود، لازم است حدود پنج درصد از رای‌دهندگان در جمعه گذشته به جمع رای‌دهندگان به آقای پزشکیان بپیوندند. فرض را باید بر این گذاشت که تقریباً همه کسانی که جمعه گذشته به آقای قالیباف رای دادند، این بار به آقای جلیلی رای خواهند داد و تنها ممکن است بخش کوچکی از آنها به آقای پزشکیان متمایل شوند یا در خانه بمانند. اگر دویینگ‌ها و استفاده از امکانات عمومی را نیز وارد معادله کنیم، پیروزی آقای پزشکیان مشروط به آوردن پنج درصد یعنی بیش از سه میلیون رای‌دهنده جدید به میدان است. ممکن است این کار آسانی نباشد. فاکتور ترس ممکن است این بار در جهت به میدان آوردن این پنج درصد کمک کند، اما در مقابل موانع جدیدی نیز وارد معادله شده است. یکی از این موانع رای‌ندان چهره‌های شناخته‌شده‌ای است که جمعه گذشته، بدون اعلام قبلی، از رای‌دادن خودداری کردند. عامل دیگر می‌تواند انگیزه مضاعفی باشد که بلوک ۶۰درصدی با مشاهده وزن و تأثیر خود بر معادلات یافته است. ضمن اینکه با وجود مشارکت حداقلی و برخلاف تصورات پیشین همچنان کاندیدای اصلاح‌طلبان توانست نفر اول انتخابات باشد. ضمن اینکه افت شدید رای اصولگرایان در مقایسه با ۱۴۰۰ نیز ممکن است مشوق بلوک ۶۰درصدی شده باشد.

نگارنده ضمن اینکه امیدوار است دست‌کم پنج درصد از کسانی که رای ندادند، متقاعد به رای‌دادن شوند، اما در صورت محقق‌نشدن این امید تقصیر را متوجه ستاد آقای پزشکیان و حامیان ایشان خواهم دانست. قبلاً به تفصیل توضیح داده‌ام که کارزار آقای پزشکیان و اصلاح‌طلبان در دور قبل از کیفیت لازم برخوردار نبود و بیشتر سِر فاکتورهایی مانند رقیب‌هراسی و ایجاد شور و هیجان در مخاطب و کنش تشویقی عااری از محتوا تکیه داشت و از نظر طرح مباحث جدی، ارائه طرح و برنامه برای حرکت در جهت رفع مشکلات فاقد معنا و محتوا بود. شک ندارم که معدودی در بین حامیان آقای پزشکیان از ابتدا متوجه صورت مسئله بودند، اما ذهنیت خاص آقای پزشکیان و محافظه‌کاری شماری از حامیان ایشان به‌اضافه نگرانی از واکنش‌ها، پرداختن به اصل صورت مسئله را مصلحت ندانسته است، اما واقعیت این است که افکار نوگرای طبقه متوسط شهری در تلاطمات و ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی ۱۵ سال اخیر بسیار آژوده، باتجربه و مطلع شده و خواستار انتخاباتی هستند که بتواند منشأ تغییر باشد. پیش‌فرض آنها این است که در گذشته نقش تعیین‌کننده‌ای در فرستادن کسانی به پاسور داشته‌اند، اما حُلف وعده‌یا موانع اجازه تغییر نداده است.

در شرایطی که نشانه‌های حاکی از تغییر سیاست‌های کلی در دست نیست و مثلاً وزارت کشور جمعه گذشته طی میلیون‌ها پیامک تفسیر خود را از هر رای به هر نامزد اعلام کرد، کارزار انتخاباتی آقای پزشکیان باید به گونه‌ای طراحی می‌شد که نوبد یک انتخابات معنی‌دار و مطالبه‌محور، نه صوری را بدهد. باید بی‌ظنردی که دوره رای غیرمشروط در ایران سیری شده است. نوعی ارتباط متقابل و پرسش و پاسخ با رای‌دهندگان با هدف افناع آنها باید شکل بگیرد. فرض باید بر این باشد که رای‌گیرنده رای‌دهندگان طرفین یک قرارداد سیاسی– اجتماعی دوطرفه هستند که هریک باید تعهداتی را عهده‌دار شود و ضمانت‌هایی را برای عمل به تعهد خود ارائه کند.

<span>۲۵ شنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۳</span>
۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۵
۲ جولای ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۶۹
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

# روزنامه

**نگاهی به برنامه نامزد ریاست جمهوری اصولگرایان برای جبران ناترازی انرژی با افزایش قیمت سوخت**

# نشستی وعده‌های بنزینی

شوق: ناترازی انرژی به مناظرات و تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای ریاست‌جمهوری رسیده و از قضا جنجالی شده است. واکنش دو کاندیدای نهایی ریاست‌جمهوری یعنی مسعود پزشکیان و سعید جلیلی به موضوع ناترازی انرژی، حول محور اهمیت این مسئله و بی‌عدالتی در توزیع سوخت می‌چرخد. هرچند دو خودرو دارد و خانواده چهارنفره دیگر خودرو ندارد. در این زمینه ارائه نکرده‌اند، اما سعید جلیلی، موضع دیگری در پیش گرفته و طرح خود را برای افزایش قیمت بنزین توضیح داده است. طرحی که به عقیده منتقدان جلیلی سبب گرانی بنزین می‌شود و همین موضوع باعث جدال نامزدهای انتخاباتی و حامیان آنها در فضای مجازی شده است.

# رئیس‌جمهور از دریاچه قانون اساسی

صفحه ۱۰

# سوق

حسن روحانی:

تحریم انتخابات، خودکشی دسته‌جمعی است

۳



**نگاهی به برنامه‌ها و شعارهای سعید جلیلی**

**و واکاوی برنامه‌های مسعود پزشکیان در گفت‌وگو با سعید لیلیانژ**

# رادیکالیسم و عمق راهبردی

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

## برگزیده‌ها



گفت‌وگوی احمد غلامی با علی فردوسی

## برپاسازی جهان در خور

درباره «حاج سیاح و کشف آزادی، چند جستار درباره تبارشناسی سوزه مدرن در ایران»

۶

اطلاع‌رسانی درباره تب دنگی سردرگم‌کننده است

## نگران تب دنگی باشیم؟

۸

## نباید از کشتی انتظار داشت؟

۹

بزرگداشت رضایحیایی در شب‌های بخارا

## صدای من

## رنگ و نقاشی است

۱۱

حمایت محمد مجتهد شبستری، محمدعلی موحد و علیرضا علوی‌نبار از مسعود پزشکیان

## تلاش برای ایران

۱۲

## یادداشت

## نه با ترس از دیگری



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

«ترس، باب‌گفت‌وگوی عقلانی را می‌بندد، چشمه امید را مسموم می‌کند و مانع از تعاون سازنده برای آینده‌ای بهتر می‌شود.»

(سلطنت‌ترس-مارتانا‌نوسپام)

با کشیده‌شدن انتخابات به دور دوم، سیاه و سفید دیو و دلبرسازی از رقبای انتخاباتی چه از سوی خود نامزدها و چه اطرافیانشان شدتی غریب یافته است. اتخاذ این روش از جریان موسوم به «اصولگرا» چندان امر غریبی نیست، اما به‌کارگیری این شیوه از سوی افراد و جریانی که خود را «اصلاح‌طلب» می‌نامند و ظاهراً «چگونگی» کسب قدرت برایشان از خود قدرت مهم‌تر است، امری نکتویه است. چندان که حتی کار را به مسلط‌شدن نگاه «آخرالزمانی» بر امورات کشور در صورت پیروزی کاندیدای مقابل کشاندند و اینکه باید «مافی الضمیر» این کاندیدا را رو کرد و «ترس» از تیم او را فریاد زد (از نوشته‌های احمد زندآبادی در کانال تلگرامی‌اش) یا مثلاً این تحلیل که «این انتخابات، انتخاب میان دو کاندیدا نیست، بلکه انتخاب میان دو جهان‌بینی و دو گرایش است؛ دو گرایشی که کاملاً با هم تضاد دارند و در مقابل یکدیگر هستند» (عصر ایران- ۴/۱۰) … به راستی آیا ساختار قدرتی در ایران و عرصه اجتماعی چنین دویاره و سیاه و سفید است؟ و آیا اصولاً ریاست قوه مجریه چنین قدرت عظیمی را برای پیاده‌سازی افکار اهورایی یا اهریمنی‌اش در اختیار دارد؟ واقعیت آن است که نه جامعه ایران چنین دو شقه و نه ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در کشورمان چنان بسیط و ساده است که رئیس‌جمهور منتخب بتواند افکار و ایده‌های خود (هرچند خوب یا بد و مخرب) را بر فضای نظام حکمرانی غالب کند و بر کرسی عمل نشاند. نهاد قوه مجریه تنها بخش محدودی از قدرت را در اختیار دارد که بسته به شخصیت رئیس‌جمهور و جریان و تیم همراه و پشتیبان‌کننده وی و مقبولیت اجتماعی‌اش و نیز برابند سایر نیروها

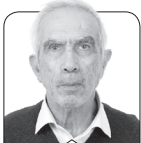
و نهادهای داخلی و اوضاع و احوال بین‌المللی و این قدرت در درصدهای کمی بالا و پایین می‌شود.

### یادداشت

## بخش کشاورزی نیز چشم‌به‌راه تغییر بنیادین

نام وزارت جهاد کشاورزی و دیگر دستگاه‌های اجرایی متصل مدفون شده است. ساختاری که در نقش‌آفرینی‌ای که برایش رقم زدند، از تولید برای تولیدی پایدار به هبوط سور و سات نوشیدن جای دیش و به بهانه تنظیم بازار سقوط کرده است. سخن در این‌باره بسیار است و بیم آنکه بسط آن در این هیاهو جز ملال و خستگی نیفزاید. البته اگر این ناله‌های حزین در این عرصه تف‌آلود ظنینی نداشت‌ه باشد اما بی‌تردید منادیان تغییرات بنیادی هشدارش را از حلقوم خشکیده تالاب و دریاچه‌ها و از تاج زمردین شمال کشور … که به تاراج بی‌مالاتی‌ها رفته است، خواهند شنید.

امید آن دارم که در پس این نوبد بی‌دگرگونی، روزی دگرباره نسل‌های آرش‌گونه این سرزمین اهورایی، بر بلندای دماوند همواره سرافراز تیر نگاه عاشقانه‌شان از شالیزارهای پرششاط شمال به سوی زاگرس کبیر و نهایت بر دل انبوه نخل‌های جنوب بنشیند. نخل‌هایی که همچون پاسداران همیشه دلوار این خطه، پای در آتش اما رخ به طراوتی سیف‌زام آراسته‌اند.



عبدالحسین طوطیایی

پژوهشگر کشاورزی

است. به عنوان یکی از دانش‌آموختگان کشاورزی کشورم و با بیش از نیم‌قرن سابقه حضور، آرزو و البته سراسر حرمان، بر خود لازم می‌دانم که فریادی برای دگرگونی شجاعانه، ساختار شکن و بنیادین در نجات این حوزه سبز از سرنوشت محتوم زرد آن داشته باشم. حوزه‌ای که در خلال بیش از ۷۰ سال اقتصاد نفت‌آلود و در زیر آرایه‌های پرچم و انبوهی تابلو به

### یادداشت

**رفتار رأی‌دهندگان، آسیب‌های جدی دیده است**

## قشر خاکستری به محرک‌های قوی‌تری نیاز دارد



امیرحسام اسحاقی

استاد دانشگاه

همانی نیست که در گذشته تجربه کرده‌ایم، بندش کرخت شده است، آحاد این قشر، کنشگران مختلف و آستانه‌های انتخابات بسیاری را تجربه کرده‌اند، گفتمان‌های زیبایی را به تماشا نشسته‌اند، شعارها و وعده‌های بسیار از این و آن شنیده‌اند، اما در فردایش چیز دیگری را تجربه کرده‌اند. بنابراین، این قشر خاکستری به اصطلاح حد خاکستری، دیگر با محرک‌های عادی، شعارهای تکراری، وعده وعیدها و گفتمان‌های زیبا به حرکت در نمی‌آید، بلکه احتیاج به محرک‌های بسیار قوی و جدی‌تر دارد.

صراحت و شفافیت هرچه بیشتر موضوع دو نامزد در حوزه مسائل خارجی و داخلی، مانند دیپلماسی و دکترین روابط خارجی، تنش‌ها و تحولات خاورمیانه، تحریم و FATF، انرژی هسته‌ای و برجام، بازار گانی و سرمایه‌گذاری خارجی، بازار سرمایه و رمزارز، سیاست‌های ارزی و بانکی، ارزش پول ملی، نظام مالیاتی، گرانی و تورم مزمن، تولید و کسب‌وکار، فقر و بی‌کاری، فروش نفت، بارانه نقدی و قیمت حامل‌های انرژی و سوخت، تأمین اجتماعی و بیمه همگانی، جامعه مدنی، معیشت، مسکن، بهداشت و درمان، راهبردهای صنعتی و واردات خودرو، اینترنت و فیلترینگ، فرهنگ و هنر، زنان و خانواده، می‌تواند در رفتار رأی‌دهندگان این قشر تأثیرگذار باشد. بی‌میلی افکار عمومی به صندوق رأی و دغدغه تشکیل دولت مقتدری

<sup>[1]</sup> صفحه ۱۱

<sup>[2]</sup> صفحه ۴